

مناظرهٔ مسلمان و داروین

(۵)

«بمنظور آشنائی بیشتر خوانندگان این نشریه، به هویت و شخصیت نویسنده،
 دانشمند کتاب «مناظرهٔ مسلمان و داروین» چند سطر ذیل نگاشته میشود:
 «دانشمند محترم، سید محمد شیرازی فرزند مرحوم آیه الله العظمی،
 سیاه‌په‌لی شیرازی، ساکن کر بلا-عراق، از علمای مجاهد و نویسندگان،
 پرارجی هستند که انصافاً خدمات ایشان بعالم اسلام و جوامع مسلمین، قابل
 تقدیر است، معظّم له. رسال (۱۳۴۷ هـ) در کر بلا متولد و پس از چند سال تحصیل،
 حایز رتبهٔ اجتهاد، و درهماً فجا بتدریس فقه و اصول پرداخته. هم‌اکنون عهده‌دار
 سرپرستی و ادارهٔ امور محصلین حوزهٔ علمیّهٔ کر بلا میباشد و علاوه بر این، از
 راه بیان و قدم نیز حقایق و معارف تائبناک اسلامی را با زبان روز و آنگاه
 که شایسته است در دسترس مردم قرار میدهند، و تاکنون بیش از یکصد جلد کتاب
 در رشته‌های گوناگون تألیف نموده‌اند که از آن جمله، سلسلهٔ انتشارات «بین
 الاسلام و الادیان و المبادی» میباشد، و کتاب حاضر اولین شماره از این
 سلسله است که بطور مسلسل، ترجمهٔ آن از نظر خوانندگان محترم میگذرد.
 دومین شماره از این سلسله کتاب: «خرافات در کتب مسیحیان
 بود که سال گذشته (۱۳۴۶ ش) منتشر شد و فعلاً نسخه‌های آن کمیاب است. سه
 کتاب دیگر آن بنام‌های: (فی ظل الاسلام) (حیف عرفت الله؟) (هل
 تحب معرفة الله؟) ترجمه شده و آمادهٔ چاپ است. (مترجم علی کاظمی)»

* * *

۶. انتخاب اصلح

— داروین — قرار طبیعت بر آنستکه همواره بهترین و برترین اشیاء
 را برای بقا انتخاب کند و همانطوریکه مرغ دانه برهه‌چیند، طبیعت هم بهترین

اشیاء عالم را از نبات و حیوان و انسان انتخاب نموده و باقی میگذارد و فضولات آنان را بدیاری عدم رهسپار میسازد، روی همین اصل است که اجزاء اولیه بصورت نبات درآمده اند، و سپس ترقی نموده تا بصورت حیوان درآمده اند، حیوان هم رشد نموده تا بصورت میمون درآمده، میمون هم ترقی کرده و اینک بصورت انسان کنونی درآمده است.

و بنظر ما این انسان نیز باین حالت نخواهد ماند، بلکه ترقی میکند تا با انسان آینده، میرسد و انسان آینده همانطور که در کتاب شاگردم و سلامت موسی، مشاهده میکنید دارای اوصاف زیر میباشد.

دارای سری بزرگ، فکری قوی، نظری تیزبین، حواس او و بتحلیل رفته، جسمی محکم، و دارای فقرات قوی، انگشتان پایش بکلی از بین رفته، چانه کوچکی دارد، و بعضی دندانها را ندارد، زنان دارای کپلی بزرگ و...، فراخ و شکمی کوچک. معده ندارد، موی در بدن حتی در سراو هم یافت نمیشود، قدش کوتاه؛ و دیگر با انسان نمیتوان گفت.

- مسلمان - ساعت خواب ۱ بخواب رفتی و خوابهای آشفته و پرت و پلائی دیدی ۱ دیگر چه، آقای داروین؟!

- داروین - دیگر نمیدانیم که بر سر انسان از این پس چه خواهد آمد.

- مسلمان - شما که ابتدا نمودید به: (نمیدانیم)، زیرا نمیدانستید که زندگی روی زمین را از کجا بدست آورده آید. و ختم کردید به: (نمیدانیم)، و گفتید: نمیدانیم که بعد از انسان آینده بر سر انسان چه خواهد آمد؟ و در میان این دو کوه عظیم جهل هزارویک هذیان گفتید. و لابد خواهید گفت که همه اینها علم است و آزمایشهای علمی!!

آری هر کس منکر دین شد بناچار باید هزارویک چرند بگوید.

شما که میگفتید: من باخبار غیبی گذشته و آینده عقیده مند نیستم؛ پس چطور

شد که با اجزاء اولیه خلقت و تبدیل آن نبات و حیوان و انسان، و سپس بان انسان آینده، ایمان پیدا کردید؟ آیا اینها همه از مشاهدات محسوسه و آزمایشات واضح بود؟ یا همگی خیال باقیهای پوچی بودند؟!؟

بهر حال باصل بحث بر میگرددیم و میگوئیم :

جناب داروین ! چه دلیلی بر انتخاب اصلح در طبیعت دارید ؟
- داروین - آنچه تا کنون گفتیم آشکارترین دلیل بود ، زیرا احقریات اخیر
 واعضاء زائد بدن انسان و تنازع بقاء و بازگشت باصل و . . . از دلائل گذشته
 بخوبی بر انتخاب اصلح در طبیعت دلالت دارد .

- مسلمان - اولاً : همهٔ دلائل گذشته را باطل کردیم ، دیگر استناد با آنها
 معنی ندارد .

ثانیاً : اگر طبیعت بهترین نوع را برای بقاء انتخاب میکند و بقیه را
 نابود میسازد پس برای چه نباتات و حیوانات اولیه هنوز هستند ؟ و بچه دلیل
 میمونها بحالت اولیه خود باقی مانده و ترقی نکرده اند ؟

ثالثاً : پس چرا ما بچشم خود مشاهده میکنیم که غیر اصلح ؛ بر اصلح چیره
 شده او را نابود میسازد مانند شیر و حیوانات درنده که انسان را میدرنند . . . و
 حیوانات زهر دار مثل مار و عقرب ، انسان و حیوانات را میکزند و هلاک
 میسازند ؟ و میکربهای ضعیف و بسیار ناتوان ، انسان اصلح و نیرومند را بدینار
 عدم میفرستند ؟

رابعاً : پس بچه دلیل اشیاء اصلح عقب گرد میکنند و اشیاء غیر اصلح
 تبدیل میشوند ، همانطور که انسان ، پیر و فرتوت شده ، سپس میمیرد ، و از آن
 پس بذرات خاک تبدیل میگردد . همینطور در سایر حیوانات و گیاهان .

خامساً : پس برای چه در حفریات دانشمندان حیواناتی یافت میشود که
 از حیث استحکام جثه و نیروی بنیه برترین اصناف حیوانات بوده اند . . . همانطوریکه
 مرحوم علامهٔ بلاغی در مدرسهٔ سیاریاد آورشد . اند : (۱)

از این حیوانات « بروتوزورس » است که قامت او را به پانزده متر
 تخمین زده اند .

و از این رقم است : « دیبلودوکس » که درازای اندام آنرا بیش از ده متر و
 ارتفاع جثهٔ آنرا به پنج متر تخمین زده اند .

... و مثلث القرون ، از چهار پایان و مانند اسب دریایی است که طول قامت آنرا به هشت متر ، و بلندیش را متناسب قامت چهار پایان تخمین زده اند .
 ... و « میلودون » که حیوان بسیار بزرگی بوده ، میگوید آنقدر بزرگ بوده که نوک درختان خرمارا گرفته و بطرف خود میکشیده است .
 ... و « کسلان » که در بزرگی هیکل مانند « میلودون » بوده است .
 ... و « موا » پرنده ای که در « ژلند » بوده ، و قامت آنرا باندازه چهار متر و بیشتر گفته اند .

... و « دینوسور » که بالداروبی یا مانند مار و افعی بوده است و درازای قامتش را به ده متر و بلندی آنرا به پنج متر تخمین زده اند .
 پس چرا طبیعت ، این حیوانات عظیم را برای بقاء انتخاب نکرد و سوسک و جمل را انتخاب نمود ؟

سادسا : این طبیعتی که انتخاب کننده است خودش چگونه است ؟

آیا دارای عقل و شعور و ادراک است ؟

یا اینکه نه عقلی دارد و نه ادراکی ؟ پس چگونه خوب و بد را تشخیص میدهد و از میان آنها انتخاب میکند ؟

اگر کسی (در بناء يك ساختمان) بگوید : این تیرهای آهن ، آن آجرها را برای همسایگی خود انتخاب نموده اند ، آیا مورد استهزاء قرار نخواهد گرفت .
 پس چگونه میتوانی باین طبیعت بی شعور یک چنین انتخاب خیالی را نسبت بدهی که از انتخاب دانشمندان و فلاسفه و حکما هم با آنهمه دانش و تجربیاتشان ، برتر باشد ؟

- داروین - فکر خواهیم کرد !

- مسلمان - فکر کنید ولی تار و زقیامت هم جوابی برای این اشکالات

پیدا نمیکنید !

آیا بجز این بافتنیها که گفتید ، دلیل دیگری هم دارید ! ؟

- داروین - نه : غیر از اینها دلیلی ندارم ، شما که همه را از بین بردی !

(بقیه دارد)